

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۵/۱۵

فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود
سال سیزدهم، شماره ۵۲، زمستان ۱۳۹۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۹/۲۵

سیری در مسائل مهدوی در تفاسیر مذاهب اسلامی

مرتضی عبدی چاری^۱

سیده فاطمه حسینی میرصفی^۲

چکیده

اعتقاد به منجی موعود، عقیده‌ای دیرین و کهن در میان جوامع بشری است و کمتر دین و مکتب و یا گروهی را می‌توان یافت که در مورد آن اظهار نظر نکرده باشد. در اسلام نیز این باور در قالب مهدویت اسلامی مورد توجه بوده و عالمان و اندیشمندان مسلمان با گرایش‌های مذهبی مختلف بدان پرداخته‌اند. تفسیر یکی از گرایش‌های مهم در این زمینه به‌شمار می‌رود؛ که مورد توجه مفسران مسلمان با دیدگاه‌های مختلف کلامی و مذهبی قرار گرفته است. تفسیر قرآن کریم در حقیقت بیانگر بینش‌ها و باورها و ارزش‌هایی است که مفسر از مبانی مختلف عقلی و نقلی دارد که در آراء و انظار وی متجلی می‌شود و بر بینش‌ها، ارزش‌ها، هنجارها و رفتارهای جامعه دارای تأثیر است. بر این اساس دیدگاه مفسران می‌تواند اساس و پایه مباحث مهم اعتقادی، اجتماعی، اخلاقی و... باشد. بررسی اقوال مفسران شیعه و اهل سنت و بیان مشترکات تفسیری آنان در ذیل آیات مرتبط با مهدویت، می‌تواند در تبیین اندیشه مهدویت در مذاهب اسلامی نقش داشته باشد و از این راه می‌توان به وجوه اشتراک مذاهب اسلامی توجه بیشتری داشت و بر اتحاد و انسجام و همبستگی اجتماعی در میان باورمندان به مهدویت اسلامی تأکید نمود.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث گروه الهیات و معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری (m.abdichari@isca.ac.ir).

۲. عضو هیئت علمی و استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری.

بنابراین در نوشته پیش‌رو به این سؤال پاسخ داده شده است: در تفاسیر مذاهب اسلامی به چه مسائلی پرداخته شده است؟
بیان دیدگاه مفسران مسلمان درباره مسائل مهدویت، تحلیل و بررسی موضوعات و مسائل مطرح شده در آن تفاسیر و بیان موارد مغفول و انحرافی در تفسیر هردو مذهب شیعه و اهل سنت، از مهم‌ترین نوآوری‌های این تحقیق به‌شمار می‌رود.

واژگان کلیدی

مهدی، مذاهب، امامیه، اهل سنت، زیدیه، معتزله، اشاعره.

مقدمه

قرآن به عنوان معجزه پیامبر اسلام ﷺ و راهنمای هدایت بشریت، در کنار سنت، مهم‌ترین منبع شناخت عقاید، احکام، اخلاق و دیگر معارف اسلام است و در راستای فهم آن، کتاب‌های بسیاری به نام «تفسیر» نگاشته شده و می‌شود. کتاب‌های تفسیر هر فرقه از مذاهب اسلامی، بیانگر گزیده‌ای از عقاید، احکام و اصول اخلاقی آنان است و بر همین اساس، منبع قابل توجهی برای شناخت معارف آن مذهب، به‌ویژه مسائل اعتقادی پیروان آن به‌شمار می‌رود. مفسران اهل سنت با دو گرایش کلامی معتزله و اشاعره نیز در ضمن بیان فهم خود از آیات قرآن، عقاید، احکام و مبانی اخلاقی خویش را نیز تبیین کرده‌اند؛ از این‌رو واکاوی تفاسیر آنان با رویکرد مهدوی، نقشی مهمی در فهم عقاید آنان نسبت به این آموزه دارد. درباره شخص امام مهدی علیه السلام در قرآن مطالبی بیان نشده است، اما آیات زیادی در قرآن وجود دارد که با کمک روایات مفسره با مهدویت و اتفاقات مربوط به دوران ظهور حضرت مهدی علیه السلام ارتباط داده شده است. با بررسی‌های انجام شده از تفاسیر شیعه و اهل سنت، چند محور مشترک در حوزه مهدویت مورد توجه مفسران شیعه و اهل تسنن بوده است؛ مانند:

وضعیت جهان قبل از ظهور، وضعیت جهان بعد از ظهور و زمان استقرار حکومت، بشارت (پیشگویی) به ظهور امام، قبل از ولادت، یا جوج و مأجوج، حکومت امام مهدی علیه السلام، دین در عصر ظهور، نزول حضرت عیسی علیه السلام، اشراف الساعة و... در کتب مختلف تفسیری به صورت پراکنده به این محورها اشاره شده است. در این مقاله دیدگاه مفسران مذاهب اسلامی درباره موضوع یاد شده مورد بررسی قرار داده می‌شود.

مفسران اهل سنت

با توجه به این که اهل تسنن در گرایشات کلامی به دو دسته معتزله و اشاعره تقسیم شده‌اند؛ و این گرایشات در رویکرد تفسیری شان نیز دارای تأثیر است؛ لذا دیدگاه مفسران اهل سنت با دو گرایش اعتزالی و اشعری مورد توجه قرار می‌گیرد.

مهدویت در تفاسیر مفسران معتزلی

با تتبع انجام شده در بین مفسران اهل سنت تنها دو تفسیر به مسئله مهدویت پرداخته‌اند یکی از آنها احمد بن علی جصاص متوفای سال ۳۳۳ ق صاحب تفسیر احکام القرآن و دیگری محمد بن حبيب الماوردی البصری متوفای سال ۴۵۰ ق صاحب تفسیر النکت و العیون مطالب تفسیری را به صورت نکته‌وار بیان کرده است. موضوعات مطرح شده در این دو تفسیر عبارت است از:

۱. اشراف الساعة

جصاص در ذیل آیه ۳۸ سوره یس به مناسبت «الشمس» طلوع خورشید از مغرب را مطرح نموده است و سپس به معرفی نشانه‌های قیامت پرداخته است که از جمله آنها دجال و دابة الارض است. (جصاص، ۱۴۰۵: ج ۵، ۲۴۸-۲۴۹). در آیه ۶۱ سوره زخرف «علم الساعة» را به نزول حضرت عیسی علیه السلام تأویل برده است. (همان: ۲۶۵-۲۶۶).

و محمد بن حبيب الماوردی هم در تفسیر آیه ۷ سوره آل عمران، «اشراف الساعة» را از محکّمات قرآن برشمرده است. (حبيب الماوردی، ۱۴۱۲: ج ۱، ۳۶۹) و در آیه ۱۵۸ سوره انعام هم به «اشراف الساعة» اشاره کرده و آن را به «دجال و نزول عیسی علیه السلام» تأویل برده است؛ (همان: ج ۲، ۱۹۰-۱۹۱).

۲. نزول عیسی علیه السلام

ماوردی در ذیل چند آیه، نکاتی را درباره مهدویت اشاره کرده که خلاصه آن در ذیل می‌آید:
الف) در آیه ۷ سوره آل عمران، «نزول عیسی علیه السلام» را از محکّمات قرآن برشمرده است. (حبيب الماوردی، ۱۴۱۲: ج ۱، ۳۶۹).

ب) در آیه ۱۵۹ سوره نساء مسئله ایمان را در سه وجه نقل کرده است: اول: ایمان به عیسی علیه السلام قبل از موت مسیح؛ دوم: ایمان آوردن اهل کتاب به عیسی علیه السلام قبل از مرگش؛ سوم: ایمان به پیامبر اکرم قبل از موت. در این باره گفته است:

همه این سه وجه در زمان «نزول عیسی علیه السلام» خواهد بود. (همان: ۵۴۴)

۳. نگرش عیسوی به مهدویت

ایشان غلبه اسلام را در ذیل آیه ۳۳ سوره توبه، در قالب چند تأویل را نقل کرده‌اند:

الف) با نزول عیسی علیه السلام همه مسلمان می‌شوند و خدا را عبادت می‌کنند؛

ب) شریعت اسلام بر دیگر شرایع غالب می‌شود و مردم از آن مطلع می‌گردند؛

ج) دلایل و حجت‌های اسلام، توسط خداوند آشکار می‌شود. (همان: ج ۲، ۳۵۵-۳۵۶)

و در آیه ۵۵ سوره نور با ذکر روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این وعده را به غلبه اسلام در سراسر گیتی تأویل برده و بیان کردند که همه مردم مسلمان خواهند شد. و همین‌طور در آیه ۴ سوره محمد برای «... وَإِمَّا فِدَاءً حَتَّى تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا ذَلِكَ وَلَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَانتَصَرَ مِنْهُمْ...» پنج وجه نقل شده که در وجه چهارم آن از قول مجاهد به نزول عیسی علیه السلام نسبت می‌دهد و در وجه پنجم هم منظور آیه را از قول «کلبی» به غلبه اسلام بر همه ادیان، تأویل برده است (همان: ج ۴، ۲۹۴-۲۹۵). نکته مهم این است که اسمی از امام غلبه‌دهنده وجود ندارد باذکر روایتی از مجاهد غلبه را به حضرت عیسی علیه السلام نسبت داده‌اند.

در مجموع مهم‌ترین موضوعات مطرح شده در تفاسیر معتزلی که در ارتباط با مهدویت می‌تواند توجیه شوند؛ عبارتند از:

غلبه اسلام بر همه ادیان بدون ذکر نام غلبه‌دهنده و اشراف الساعة (دجال)، نزول عیسی علیه السلام طلوع خورشید از مغرب و سفیانی) مطرح شده است.

مهدویت در تفاسیر مفسران اشعری مسلک

با توجه به این که بیشتر اهل تسنن از نظر کلامی، به مکتب کلامی اشاعره باور دارند؛ لذا مفسران بیشتری مباحث مرتبط با مهدویت را در تفاسیرشان آورده‌اند. اینک به گزارشی از برخی از مهم‌ترین و قدیمی‌ترین تفاسیرشان عبارتند از:

۱. جامع البیان فی تفسیر القرآن؛ ابو جعفر محمد بن جریر طبری

وی در باب مهدویت در تفسیر خود موضوعاتی را مطرح کرده است از جمله:

الف) نزول حضرت عیسی علیه السلام

طبری در ذیل آیه ۵۵ سوره آل عمران به طور مفصل با ذکر روایاتی زیادی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و صحابه به مسئله نزول حضرت و اقدامات ایشان از جمله قتل دجال، حکم به عدل و قسط، امنیت کامل جهانی (شیر با شتر و گوسفند با گرگ و... در کنار هم بدون تعرض به یکدیگر زندگی کنند)، شکستن صلیب، برداشتن جزیه و غنی کردن مردم از جهت مالی به طوری که

نیازمند وجود ندارد و... و همین طور به فوت ایشان و نماز خواندن مسلمانان بر جنازه او به شیوه اسلام اشاره نموده است. (طبری، ۱۴۱۲: ج ۳، ۲۰۲-۲۰۴) البته ایشان اسمی از امام مهدی علیه السلام نقل نکرده است.

وی با بیان دیدگاه بیش از ۴۰ صحابی و مفسر و ذکر روایات متعدد در ذیل آیه ۱۵۹ سوره نساء ثابت کرد که یهود و نصارا قبل از مرگ شان در دوران نزول حضرت به او ایمان می آورند البته در بعضی از روایات هم اشاره ای به سیره و اقدامات ایشان مثل غلبه کامل اسلام و یکی شدن ملت ها و ادیان و قتل دجال، شده است. (همان: ج ۶، ۱۴-۱۷)

او همین مسئله اخیری که غلبه کامل اسلام و قتل دجال را در ذیل آیه ۲۸ فتح و در سوره صف آیه ۹ بدون ذکر قتل دجال؛ تکرار می کند. (همان: ج ۲۶، ۶۹؛ ج ۲۸، ۵۸)

ب) اشراط الساعة

طبری در ذیل آیه ۱۵۸ سوره انعام منظور از آیات را طلوع شمس از محل غروبش دانسته و در آن زمان ایمان فایده ای برای مردم ندارد؛ را به طور مفصل، تقریباً تمام اقوال و دیدگاه های مفسران را در ذیل آیه بیان کرده است که در لا به لای این اقوال به بعض دیگر از اشراط الساعة از جمله: خروج دجال، خروج دابة الارض، خروج یاجوج و ماجوج و دخان، اشاره شده است. (همان: ج ۸، ۷۰-۷۷)

او در ذیل آیه ۹۸ سوره کهف به بیان داستان یاجوج و ماجوج و چگونگی پشت سد قرار گرفتن آنها توسط ذوالقرنین و همین طور هویت و خروج شان از سد در آخرالزمان به عنوان اشراط الساعة اشاره می کند و در بعضی از دیدگاه ها به نزول عیسی علیه السلام و خروج دجال و کشته شدنش توسط حضرت می پردازد و می گوید: اینها وعده خداوند است. (همان: ج ۱۶، ۲۲-۲۳)

طبری به مناسبت کلمه دخان در آیه ۱۰ سوره دخان به ویژگی این دود و زمانش و همراهی این دود با سایر اشراط الساعة مثل نزول عیسی علیه السلام، آتشی که از عدن خارج می شود، خروج دابة الارض و دجال اشاره کرده است. (همان: ج ۲۵، ۶۷-۶۸)

طبری در آیه دیگر منظور از «لَعَلَّمُ لِلسَّاعَةِ» (زخرف: ۶۱) را با ذکر ۱۲ دیدگاه اعم از روایات، قول صحابه و اقوال مفسران گفت: نزول عیسی علیه السلام همان علم الساعة است چراکه نزول حضرت جزو اشراط الساعة است. (همان: ج ۲۵، ۵۴)

ج) خسف به بیداء

او منظور از اخذ در مکان قریب در آیه ۵۱ سبأ را به فرو رفتن در بیداء تأویل برده است. (همان: ج ۳، ۱۶۳)

۲. تفسیر القرآن العظیم؛ عبدالرحمن بن محمد بن ادريس الرازی ابن ابی حاتم

ایشان در ذیل ۱۶ آیه درباره اتفاقات عصر مهدوی موضوعاتی را مطرح کرده است؛ ابن ابی حاتم در تفسیر خود به این موضوعات پرداخته است:

الف) ظهور امام مهدی عجل الله فرجه

ابن ابی حاتم در ذیل آیه ۱۱۴ سوره بقره است خزی در دنیا را به زمان قیام [حضرت] مهدی عجل الله فرجه تأویل بردند و گفتند اگر امام قیام کند قسطنطنیه را فتح و آنها را می‌کشد و این برای آنها خزی می‌باشد. (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹: ج ۱، ۲۱۱)

ب) نزول حضرت عیسی عجل الله فرجه

ابن ابی حاتم در ذیل آیه ۱۵۹ سوره نساء مثل اکثر مفسران اهل سنت به بحث نزول عیسی عجل الله فرجه و ایمان آوردن همه اهل کتاب به آن حضرت پرداخته و به مناسبت به سیره و اقداماتش مانند قتل خنزیر و شکستن صلیب و برداشتن صلیب و... پرداخته است. (همان: ج ۴، ۱۱۱۳-۱۱۱۴)

کشته شدن دجال از دیگر اقدامات آن حضرت است که مفسر در ذیل آیات ۱۴۵ سوره اعراف (همان: ج ۵، ۱۵۶۴-۱۵۶۵) و آیه ۷۱ سوره انبیاء (همان: ج ۸، ۲۴۵۷) و آیه ۴۲ سوره قلم آورده است. (همان: ج ۱۰، ۳۳۶۷-۳۳۶۸) و نزول عیسی عجل الله فرجه از مصادیق آیات ۱۵۷-۱۵۸ سوره نساء (همان: ج ۴، ۱۱۱۰-۱۱۱۲) و آیه ۱۸۱ سوره اعراف (همان: ج ۵، ۱۶۲۳) و آیه ۶۱ سوره زخرف است (همان: ج ۱۰، ۳۲۸۵)

ج) اشراط الساعة

مفسر در ذیل آیه ۱۵۸ سوره انعام منظور از بعض آیات را طلوع شمس از مغرب دانسته‌اند (همان: ج ۵، ۱۴۲۷-۱۴۲۸) که این نشانه را همه مفسران اهل سنت به عنوان اشراط الساعة بیان کرده‌اند.

شکسته شدن سد و خروج یأجوج و مأجوج از پشت آن در آخرالزمان از جمله مطالبی است که در ذیل آیات ۹۸ سوره کهف (همان: ج ۸، ۲۳۹۰-۲۳۹۱) و آیه ۹۶ سوره انبیاء است. (همان: ج ۸، ۲۴۶۷-۲۴۶۸)

مفسر؛ دجال را مصداق آیه ۵۶ سوره غافر دانسته است. (همان: ج ۱۰، ۳۲۶۸)

دابة الارض در تفسیر قرآن عظیم ابن ابی حاتم با ذکر روایتی از پیامبر گرامی اسلام صلى الله عليه وآله ذیل آیه ۸۲ سوره نمل معرفی شدند به شخصی در آخرالزمان خروج می‌کند در حالی که در دستان او عصای موسی عجل الله فرجه و انگشتر سلیمان نبی عجل الله فرجه که با عصای موسی عجل الله فرجه دماغ کفار را به خاک

می‌مالد و با خاتم سلیمان علیه السلام چهره مؤمن را روشنایی می‌بخشد و سپس با ذکر روایاتی به مصادیق دابة الارض و ویژگی‌های آن می‌پردازد. (همان: ج ۹، ۲۹۲۳-۲۹۲۶)

د) غلبه اسلام

ابن ابی حاتم در ذیل سوره توبه آیه ۳۳ اشاره دارد به این که اسلام بر همه ادیان غلبه کامل پیدا خواهد کرد و همه ادیان و اهل کفر منقضی خواهد شد و همه جهان و حتی حیوانات در آسایش کامل در کنار هم زندگی می‌کنند بدون این که به همدیگر تعرض کنند در حالی که از منقضی‌کننده همه ادیان و ایجادکننده آسایش نامی نمی‌برد. البته یک سری اتفاقات دیگری را بیان شده که در روایات شیعه و اهل سنت عَلم شده بر اقدامات حضرت عیسی علیه السلام مانند: خوک را بکشد، جزیه را بردارد و صلیب را بشکند. (همان: ج ۶، ۱۷۸۶)

۳. جواهر الحسان فی تفسیر القرآن؛ عبدالرحمن بن محمد ثعالبی

ثعالبی در تفسیر خود به یک موضوع در حوزه مهدویت پرداخته است و آن مسئله نزول عیسی علیه السلام است. او در ذیل آیه ۵۵ سوره آل عمران و ۱۵۷ سوره نساء به حیات عیسی علیه السلام و نزولش در آخرالزمان و سیره و اقداماتش از قبیل قتل دجال، عدالت، غلبه دین اسلام، حج، عمره و زنده ماندن ایشان تا ۲۴ سال اشاره دارد. (ثعالبی، ۱۴۱۶: ج ۱، ۲۵۸-۲۵۹ و ۴۰۲) و در آیه ۱۵۹ سوره نساء ایمان به حضرت عیسی علیه السلام را به عنوان یکی از اقوال ذکر می‌کند و می‌گوید: جهان در آن زمان قبل از فوت حضرت بر تمام ادیان غلبه پیدا خواهد کرد. (همان: ج ۱، ۴۰۲) ایشان هم نامی از غلبه‌دهنده بیان نکردند.

۴. التحریر و التنویر نویسنده: محمد بن طاهر ابن عاشور

ابن عاشور در تفسیر خود به فقط به یک موضوع در حوزه مهدویت پرداخته است: او در ذیل دو آیه درباره نزول حضرت عیسی علیه السلام مطالبی آورده است ایشان در سوره آل عمران آیه ۵۵ به نزول، فوتش و قتل دجال اشاره کرد (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ج ۳، ۱۰۷) و در سوره نساء آیه ۱۵۹ به موضوع ایمان اهل کتاب به حضرت بعد نزول ایشان اشاره شده است. (همان: ج ۴، ۳۰۹)

۵. تفسیر مفاتیح الغیب؛ ابو عبدالله محمد بن عمر فخرالدین رازی

ایشان ذیل پنج آیه مطالبی درباره مهدویت مطرح کردند در سوره بقره آیه ۳ منظور از غیب را امام مهدی علیه السلام می‌داند و اشاره می‌کند آن مهدی که در آیه ۵۵ سوره نور خداوند به آمدنش وعده داده و او هم اسم و هم کنیه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که اگر از عمر دنیا یک روز هم باقی

بماند خداوند آن روز را طولانی می‌کند تا این شخص که از اهل بیت علیهم‌السلام است ظهور کرده و جهان را پر از عدل و داد کند. (فخر رازی، ۱۴۲۰: ج ۲، ۲۷۴) او در آیه ۱۵۸ انعام وجه‌های مطرح شده درباره آیات را بیان می‌کند که همان نشانه‌های قبل از قیامت باشد این نشانه‌ها ده عدد می‌باشد که ایمان بعد از مشاهده این نشانه‌ها فایده ندارد. از این آیات به اشراط الساعة تعبیر شده است. دجال و نزول عیسی علیه‌السلام از جمله آن ده عدد، به چشم می‌خورد. (همان: ج ۱۴، ۱۸۸) ایشان در آیه ۳۳ سوره توبه به بیان شبهات اشخاصی که گفتند: غلبه اسلام در زمان پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم اتفاق افتاده؛ می‌پردازد و پاسخ می‌دهد که مصداق این آیه فقط در زمان ظهور امام مهدی علیه‌السلام و نزول حضرت عیسی علیه‌السلام اتفاق خواهد افتاد. (همان: ج ۱۶، ۳۳) او هم‌چنین در سوره صف آیه ۸ و ۹ غلبه اسلام را به نزول عیسی علیه‌السلام تأویل بردند. (همان: ج ۲۹، ۵۳۰) باز به نحوی دیگر در سوره محمد آیه ۴، چهار مسئله درباره «اوزار» بیان می‌کند؛ که مسئله چهارم او باقی نبودن احزاب است که این مسئله در زمان قتل دجال و نزول عیسی علیه‌السلام اتفاق خواهد افتاد. (همان: ج ۲۸، ۳۹)

۶. تفسیر شیخ هودبن محکم الهواری: کتاب الله العزیز

ایشان در ذیل شش آیه درباره اتفاقات عصر مهدوی مطالبی آورده و تلاش زیادی انجام داده تا حضرت عیسی علیه‌السلام را با به جای امام مهدی علیه‌السلام امام عادل در آخرالزمان معرفی کند؛ او در آیه ۱۵۹ سوره نساء ایمان را به قبل از موت عیسی علیه‌السلام زدند و به مناسبت روایتی از رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به وضعیت آخرالزمان پرداخته و بیان کردند: همه ملت‌ها در آن زمان مسلمان می‌شوند و امنیت به صورت گسترده (شیر و شتر، گرگ و گوسفند و... کنار هم در صلح و صفا زندگی می‌کنند) در آن زمان حاکم است. (همان: ج ۱، ۴۳۶) او این مسئله را در ذیل آیه ۳۳ توبه تکرار می‌کند و به همه این امنیت را به حضرت عیسی علیه‌السلام نسبت داده و با ذکر کلماتی از عایشه و اباهریره آن حضرت را به عنوان حاکم عدل و امام مقسط معرفی کرده و به سیره و اقدامات شان بعد از نزول مثل شکستن صلیب و قتل دجال و... می‌پردازد و اسمی از امام مهدی علیه‌السلام نمی‌برد! (همان: ج ۲، ۱۲۷-۱۲۸) این مسئله آیه ۶۱ سوره زخرف است که ایشان علم الساعة را نزول عیسی علیه‌السلام دانسته و طریق او را اسلام دانسته است. (همان: ج ۴، ۱۲۰) مسئله نزول عیسی علیه‌السلام، اسلام همه ادیان و امنیت گسترده در ذیل سه آیه دیگر سوره محمد آیه ۴ (همان: ج ۴، ۱۵۸) و سوره فتح آیه ۲۸ (همان: ج ۴، ۱۸۰) و سوره صف آیه ۹ (همان: ج ۴، ۳۴۸) تکرار می‌شود اما اسمی از فرزند رسول گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیست!

۷. تیسر التفسیر؛ محمد بن یوسف اطفیش یسقنی جزائری

ایشان در ذیل ده آیه در حوزه مهدویت موضوعاتی را بیان کردند که از جمله آنها:

الف) نزول عیسی علیه السلام

وی ذیل آیه ۵۵ سوره آل عمران به مناسبت زنده بودن حضرت عیسی علیه السلام به شرح وقایع عدم قتل و اشتباه آنها در به صلیب کشیدن آن حضرت پرداخته و سپس به سرنوشت و زندگانی ایشان پس از نزول و همین طور ایمان به حضرت و سیره و اقدامات شان و حتی محل دفن و غسل دهنده هایش را به طور کامل توضیح می دهد. (اطفیش، ۱۴۰۷: ج ۲، ۸۳-۸۵) همین مطالب به صورت خیلی کوتاه در آیه ۱۵۷، ۱۵۸ و ۱۵۹ سوره نساء تکرار شده است. (همان: ج ۲، ۴۶۱-۴۶۳) او در سوره زخرف آیه ۶۱ علاوه بر سیره و اقدامات حضرت عیسی علیه السلام اشاره به محل نزول (دمشق) و زمان نزول (صبح) می کند و گوید: مردم در حال نماز صبح بودند و امام تعارف می کند؛ اما او امام را به جلو هدایت می کند و پشت سر امام مهدی علیه السلام نماز می خواند (همان: ج ۱۲، ۵۱-۵۲)

ب) اشراط الساعة

در سوره یونس آیه ۹۸ خروج امام مهدی علیه السلام و دجال و نزول عیسی علیه السلام را جزو قیام الساعة دانسته اند. (همان: ج ۵، ۳۳۷-۳۳۸) و باز در سوره محمد آیه ۱۸ به مناسبت «الساعة» علاوه بر مطالب آیه ۹۸ خروج امام مهدی علیه السلام را جزو اشراط الساعة دانسته است (همان: ج ۱۲، ۲۴۴-۲۴۵) و هم چنین در سوره کهف آیه ۹۸ منظور از وعده خداوند را وقت خروج دجال و نزول عیسی علیه السلام و دیگر علامات قیامت دانسته است. (همان: ج ۷، ۴۹۴)

دوباره در آیه ۱۵۸ سوره انعام هم، نزول عیسی علیه السلام و دجال را در قالب اشراط الساعة مطرح کرده و به وضعیت نامناسب دینی و ظلم و فحشاء (انسان ها همانند حیوانات زندگی می کردند) در آخر الزمان پرداخته است. (همان: ج ۳، ۵۰۷-۵۱۲) و این مسئله سوره ۵۷ سوره نجم هم تکرار شده است. (همان: ج ۱۲، ۵۷۲)

ج) غلبه اسلام

ایشان، تحقق ظاهر آیه ۳۹ انفال را زمان امام مهدی علیه السلام بیان کردند البته اقوال دیگری هم بیان کردن که مورد پسندش نبوده است. (همان: ج ۴، ۳۶۳-۳۶۴) و همین طور در ذیل آیه ۱۰۵ سوره انبیاء همانند مفسران شیعه می گوید: منظور از وعده خداوند، وعده به عزت و استیلاء اسلام است و آن چه که نزد ما معتبر است در زمان امام مهدی و عیسی علیه السلام خواهد بود؛ (همان: ج ۸، ۲۷۷-۲۷۸) و این مسئله استیلاء بار دیگر در سوره فتح آیه ۲۸ تکرار کرد

(همان: ج ۱۲، ۳۳۷) اما با توجه به این که کلمات سوره فتح آیه ۲۸ در سه جای قرآن تکرار شده است ولی در ذیل آیه ۳۳ سوره توبه با استناد به روایت از پیامبر اکرم ﷺ بحث غلبه کامل اسلام را به زمان نزول عیسی ﷺ نسبت دادند؛ (همان: ج ۴، ۵۰۲-۵۰۳) و همین مسئله را در سوره صف آیه ۹ تکرار کردند. (همان: ج ۱۳، ۳۲۳) و باز هم در سوره جمعه آیه ۴ می‌گوید:

زمانی که عیسی ﷺ نزول کند جریان دین براساس قرآن و سنت پیامبر ﷺ جاری خواهد شد و جزیه پذیرفته نخواهد شد. (همان: ج ۱۳، ۳۳۸)

لذا او در بیان روایات هردو نوع روایت را نقل کرده است و غلبه اسلام را هم به حضرت مهدی ﷺ و هم به حضرت عیسی ﷺ نسبت داده است. هرچند نسبتش به حضرت عیسی ﷺ پررنگ‌تر دیده می‌شود.

او در سوره سجده آیه ۲۱ برای «عذاب اکبر» چندین احتمال مطرح کردند و دو احتمال آن یکی دابة و دجال است و احتمال دیگر خروج مهدی با شمشیر است؛ (همان: ج ۱۰، ۱۸۷-۱۸۸)

د) خروج سفیانی و فرو رفتن در بیداء

اطفیش در سوره سبأ آیه ۵۰ و ۵۱ به مناسبت کلمه فرعوا چند احتمال را مطرح کردند که از جمله آنها فرع جنود سفیانی زمانی که در بیداء فرو رفتن در زمانی که عزم به جنگ با امام مهدی ﷺ گرفتند؛ همه کشته شدن مگر مخبر لشکر و منظور از مکان قریب همان بیداء است (همان: ج ۱۱، ۴۰۴-۴۰۵)

۸. روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی؛ محمود بن عبدالله آلوسی

آلوسی از جمله مفسرین باگرایش فقهی مالکی هستند؛ او در تفسیرشان نسبت به شیعه بسیار نقادانه وارد شدند و بسیاری از مبانی شیعه را مورد نقد قرار دادند. ایشان بدون دلیل از امامیه به خانه کذب تعبیر کردند (آلوسی، ۱۲۷۰: ج ۱۲، ۱۴) و با این نگاه؛ در ذیل آیه ۵۴ سوره مائده روایت نقل شده از علی ﷺ را مبنی بر وراثت زمین توسط امام مهدی ﷺ و یارانش را قوی بدون سند ذکر کردند (همان: ج ۴، ۲۳۹) او همین‌طور امت معدوده ذیل آیه ۸ سوره هود را که امام باقر و امام صادق ﷺ به امام و یارانش تاویل بردند؛ را کذب دانستند. (همان: ج ۱۲، ۱۴) او کلمات شیعه امامیه ذیل آیه ۳۸ سوره نحل (همان: ج ۱۴، ۱۴۲) و ۵۵ سوره نور (همان: ج ۸، ۱۴۰) را که به رجعت و ظهور امام تاویل برده شده بود، را بدون دلیل و سند دانسته و مورد نقادی شدید قرار داده است.

نکته قابل توجه این است که! ایشان رفع فتنه را در ذیل آیه ۳۹ سوره انفال (همان: ج ۹،

(۲۰۷) و «آیه» در ذیل آیه ۴ سوره شعراء (همان: ج ۱۹، ۶۰) را مربوط به زمان حضرت مهدی علیه السلام دانستند بدون این که نقدی در این زمینه با شیعیان داشته باشد.

به غیر از این دو آیه تنها موضوعاتی که در حوزه مهدویت مورد توجه ایشان بود بحث نزول عیسی علیه السلام و اقداماتش در عصر ظهور ذیل آیه ۵۵ سوره آل عمران (همان: ج ۳، ۱۷۹) و ایمان آورد اهل کتاب به آن حضرت ذیل آیه ۱۵۸ سوره نساء بوده است. (همان: ج ۶، ۱۲)

موضوع دیگر اشراط الساعة است که ایشان ذیل آیه ۱۸ سوره محمد علیه السلام در شمارش اشراط خروج امام مهدی علیه السلام را جزو اشراط الساعة دانسته است. (همان: ج ۱۹، ۶۰)

۹. تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر): اسماعیل بن عمرو ابن کثیر دمشقی

این مفسر در ذیل هفت آیه به موضوع مهدویت پرداخته است موضوعات این مفسر شافعی مسلک عبارت است از:

الف) نزول عیسی علیه السلام

در تفسیر او درباره حضرت عیسی علیه السلام در آخرالزمان که تقریباً همه مفسران اهل سنت در این نگاه؛ با او مشترک هستند؛ نزول و سیره و اقدامات آن حضرت است که ذیل سه آیه ۵۵ سوره آل عمران (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ج ۲، ۴۰) و آیه ۱۵۹ سوره نساء (همان: ج ۲، ۴۰۰-۴۱۵) و آیه ۱۴ سوره صف (همان: ج ۸، ۱۴۰)؛ نقل کرده است.

ب) اشراط الساعة

مسئله اشراط الساعة و تعداد آن از جمله مسئله پرتکرار در این تفسیر هست که کمتر در دیگر تفاسیر اهل سنت دیده می شود او در ذیل آیات ۱۵۸ سوره انعام (همان: ج ۸، ۳۳۳-۳۳۷) و ۱۸۷ سوره اعراف (همان: ج ۳، ۳۶۹-۳۷۳) و ۸۲ سوره نمل (همان: ج ۶، ۱۹۰-۱۹۳) و ۱۰ سوره دخان (همان: ج ۷، ۲۲۷) به مناسبت ها مختلف و با بیان روایات متعدد از اشراط الساعة نقل کرده است.

ج) حکومت حضرت مهدی علیه السلام

ایشان در این تفسیر برای اولین و آخرین بار روایتی نقل می کند که؛ منظور از وعده الهی در آیه ۵۵ سوره نور چهار نفر از قریش، ابوبکر و عمر و علی هستند سپس بعد مدت زمان دیگر مهدی از جمله آن وعده خداوند است که هم نام و کنیه رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله است جهان را پر از عدل و قسط خواهد کرد. این جمله از قبیل نادرترین جمله ای است که در بین مفسرین این صنف نقل شده است.

۱۰. فی ضلال القرآن؛ سیدبن قطب بن ابراهیم شاذلی

تنها موضوعی در تفسیر این مفسر می‌توان یافت موضوع نزول عیسی علیه السلام است که ذیل آیه ۱۵۹ سوره نساء او نزول آن حضرت و اقداماتش نسبت به یهود در آخرالزمان را نقل کرده است. (سیدبن قطب، بی تا: ج ۲، ۸۰۲-۸۰۳)

۱۱. تفسیر القرآن الحکیم (تفسیر المنار)؛ محمد رشیدرضا و محمد عبده

اما تفسیر المنار بیشتر یک تفسیر انتقادی است؛ البته ایشان در سوره نساء آیه ۱۵۸ بیان می‌کند: امام مهدی علیه السلام از نسل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است و یکی از علامت و نشانه او این است که جهان را پر از عدل و داد، می‌کند و حضرت عیسی علیه السلام نازل می‌شود و اقداماتی هم چون برداشتن جزیه و شکستن صلیب و کشتن دجال را انجام خواهد داد و سپس به نقد تندی نسبت به مدعیان مثل مهدی سودانی و باب و بهائیت انجام می‌دهد (عبده، بی تا: ج ۶، ۵۷-۵۹) او در سوره توبه آیه ۳۳ با نقل و نقد تمام اقوال درباره زمان غلبه اسلام قولی از ابن کثیر در تفسیرش ذیل آیه بیان می‌کند مبنی بر این که این بشارت فقط در زمان ظهور امام مهدی علیه السلام و پشت سرش نزول عیسی علیه السلام از آسمان و نماز خواندن او پشت سر امام به رسم اسلام؛ است. محمد عبده با بیان نقد این مطلب اضافه می‌کند که هیچ کدام از روایات شیعه در زمینه مهدی صحیح نیستند و بیشتر سیاسی است و خرافات و مخالف اصول دین و من نمی‌پسندم این طور مطالب در این تفسیر باشد؛^۱ سپس نقل می‌کند: اما بعضی از احادیث درباره نزول عیسی علیه السلام دارای سند صحیح هست و بعد به نقد مطالب در این زمینه می‌پردازد. (همان: ج ۱۰، ۲۹۰-۲۹۴)

البته ایشان در ذیل آیه ۳۹ انفال (همان: ج ۹، ۶۶۶) و انعام ۸۹ (همان: ج ۷، ۵۹۵) و بقره ۲۳ (همان: ج ۶، ۲۲۸) گفت: نقل مفسر یا شخصی را که ادعا کرده باشد، این آیات مرتبط با

۱. پاسخ‌های فراوانی به بیان ایشان داده شده است از جمله: کتاب‌های دکرین مهدویت: چیستی، خاستگاه، ضرورت‌ها و راهکارها، اثر قنبرعلی صمدی و کتاب بررسی تطبیقی مهدویت در روایات شیعه و اهل سنت اثر مهدی اکبرنژاد و مقاله محسن عباد با عنوان الرد علی من کذب بالاحادیث الصحیحة الواردة فی المهدی، قسمت ۱۷، مجله الجامعة الاسلامیه، شماره ۴۵، ۱۴۰۰ ق. هم چنین برای مطالعه تفصیلی موضوع می‌توانید رک: مجله: مقالات و بررسی‌ها، دفتر ۷۷، ۴۰۴۳. اما پاسخ اجمالی آن این است که: تاکید بر خرافه بودن اندیشه مهدویت در این نوشته‌ها، یک ادعا بیش نیست و هرگز نباید به عنوان یک دلیل، حساب شود؛ و در این زمینه نباید سلیقه‌ای عمل کرد چون این امکان وجود دارد که هرگاه، فکر و اندیشه‌ای بر مذاق کسی خوش نیامد، به راحتی آن را به خرافی بودن متهم کند دیگر این که هیچ‌کس ادعا نکرده است که همه احادیثی که در موضوع مهدویت وارد شده است، صحیح و بدون اشکال است؛ بلکه مانند خیلی موضوعات دیگر، تعدادی از احادیث این باب هم احادیث صحیح و بدون اشکالی نیستند.

امام مهدی علیه السلام و ظهورش هست را مورد نقادی شدید قرار داده است.

مهدویت در تفاسیر مفسران سلفی مسلک

با بررسی انجام شده تنها یک مفسر در تفسیر خود به موضوعاتی درباره مهدویت پرداخته‌اند:

۱. تفسیر اضواء البیان فی ایضاح القرآن بالقرآن؛ محمد امین بن محمد مختار جکنی

شنقیطی

محمد امین دارای فکری مالکی سلفی بوده و مسئله سلفی بودن در تفسیرش به چشم می‌خورد و شیعیان را مورد نقادی شدید قرار می‌دهد او در حوزه مهدویت فقط به یک موضوع پرداخته است و آن نزول عیسی علیه السلام است.

او در ذیل آیه ۸ سوره نحل ایشان به مناسبت روایتی از زبان اباهریره و او از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل می‌کند:

خداوند عیسی علیه السلام را در آخرالزمان نازل می‌کند در حالی که حکم به عدل می‌کند، صلیب را می‌شکند، خوک را می‌کشد و جزیه را برمی‌دارد و... (همان: ج ۳، ۱۶۶).

او مسئله نزول در ذیل آیه ۶۱ زخرف با استناد به آیات ۵۵ سوره آل عمران و ۱۵۷ الی ۱۵۹ سوره نساء به صورت کامل همراه تکرار کردند. (همان: ج ۷، ۱۷۱-۱۷۹)

۲. الاساس فی التفسیر؛ سعید حوی

ایشان هم دارای شخصیتی سلفی مسلک هست و در تفسیر خود بیشتر به دو موضوع مهم پرداخته است:

الف) نگرش عیسوی به مهدویت

او در ذیل آیات زیادی مانند: آیه ۳۹ سوره انفال (همان: ج ۴، ۲۱۶۴) آیه ۳۳ سوره توبه (همان: ج ۴، ۲۲۷۵-۲۲۷۶) آیه ۱۰۵ سوره انبیاء (همان: ج ۷، ۳۵۰۹-۳۵۱۱) آیه ۵۱ سوره غافر (همان: ج ۹، ۴۹۶۸) آیه ۶۱ سوره زخرف (همان: ج ۹، ۵۱۷۰-۵۱۷۱) و آیه ۴ سوره محمد صلی الله علیه و آله (همان: ج ۹، ۵۳۰۴) بعد از بیان غلبه کامل اسلام یا نام غلبه دهنده را مسکوت گذاشت و آن مواردی که نام برده شده؛ امام عادل را حضرت عیسی علیه السلام معرفی کردند. البته ایشان در ذیل آیه ۵۵ سوره نور تلاش زیادی کردند که بگویند منظور خداوند چهار خلیفه بوده و بسیار گذرا گفتند: بعد از مدتی مهدی که هم اسم و کنیه پیامبر صلی الله علیه و آله است، هم از آن وعده خدا است. (همان: ج ۷، ۳۸۰۴-۳۸۱۴)

ب) اشراط الساعة

این مسئله و تعداد شروط را مکرراً ذیل آیات ۱۵۸ سوره نساء (همان: ج ۲، ۱۲۳۲-۱۲۳۳) و ۱۵۸ سوره انعام (همان: ج ۳، ۱۷۹۶-۱۷۹۷) و ۸۲ سوره نمل (همان: ج ۷، ۴۰۴۷) بیان شده است.

تحلیل و بررسی

با بررسی انجام شده در مذاهب اهل سنت به موارد مهمی مانند: نزول عیسی علیه السلام و اشراط الساعة برخورد می‌کنیم که در بین غالب مفسران این مذهب این دو موضوع مشترک بیان شده است؛ درباره نزول حضرت عیسی علیه السلام بین شیعه و اهل سنت اختلافی نیست، اما نکته مهم این است که عده‌ای از مفسران با نقل بعضی از روایات ضعیف؛ نظر به اصل مهدویت که مورد وفاق شیعه و اهل سنت است؛ دارند. آنها با نسبت دادن عدالت و قسط به حضرت عیسی علیه السلام بدون این که اسمی از امام مهدی علیه السلام ببرند؛ قصد تغییر جامعه فکری مردم خصوصاً در عصر جدید هستند. این تغییر فکر از نظر صاحب کتاب *المناور* دور نمانده و او برخلاف هم‌مسلمانان خود؛ به نقد همه آنها می‌پردازد که لازم است تحقیق جامعی در این زمینه صورت پذیرد. هرچند بسیاری از مفسران و علمای اهل سنت ظهور حضرت عیسی علیه السلام در آخرالزمان را به عنوان یار امام می‌دانند و به امام در رسیدن به اهداف کمک می‌کند.

نکته دیگر این که در تفاسیر اهل سنت نشانه‌های ظهور به نقل از شیعیان را در قالب اشراط الساعة قرار می‌دهند جالب است بعضی از مفسران؛ ظهور امام مهدی علیه السلام را از اشراط الساعة می‌دانند.

موضوعات دیگر مانند: چگونگی غلبه اسلام و حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام هم در ذیل بعضی از آیات آمده است و به نظر می‌رسد؛ غالب مفسران اهل سنت غلبه اسلام را؛ مسلمان شدن همه ادیان می‌دانند.

مهدویت در تفاسیر شیعه

شیعه همانند اهل سنت دارای مذاهب مختلفی است مانند: اسماعیلیه، زیدیه، فطحیه، امامیه و... است که مهم‌ترین آن مذاهب، شیعه امامیه است با بررسی انجام شده مفسر با گرایش مذهب اسماعیلیه و فطحیه که درباره مهدویت مطلبی داشته باشد، دیده نشده است. از این رو تنها دوگروه از مذاهب شیعه (اسماعیلیه و امامیه) پرداخته خواهد شد:

مهدویت در تفاسیر مفسران مذهب زیدیه

از تفاسیر زیدیه تنها چهار تفسیر در دسترس هست؛ که از بین آنها تنها دو مفسر به موضوع مهدویت پرداخته‌اند، مهم‌ترین مطالبی که در کتب مفسران زیدی بر مهدویت دلالت دارد، عبارتند از:

۱. تفسیر مقاتل بن سلیمان؛ مقاتل بن سلیمان بلخی

تفسیر مقاتل بن سلیمان از تفاسیر قدیمی مذهب زیدیه است او در تفسیر خود به سه موضوع در حوزه مهدویت پرداخته است:

الف) نزول حضرت عیسی علیه السلام

او در سوره آل عمران آیه ۵۵ زمان نزول حضرت عیسی علیه السلام را به عهد دجال گره زده و فوت ایشان را بعد از قتل دجال بیان کرده است (بلخی، ۱۴۲۳: ج ۱، ۲۷۸-۲۷۹) و در سوره نساء آیه ۱۵۷-۱۵۸ به معجزه خداوند پرداخته و گفتند: خداوند چهره یکی از حواریون خیانتکار را به چهره حضرت درآورده و یهودیان به جای عیسی علیه السلام آن شخص را علیرغم انکارش اعدام کرده‌اند و سپس به چگونگی رفع ایشان به آسمان در شب قدر پرداختند. (همان: ج ۱، ۴۲۰-۴۲۱)

در همان سوره آیه ۱۵۹ وضعیت حضرت را پس از نزول بررسی می‌کند و محل نزول ایشان را شهر افیق می‌داند و اقدام اولیه ایشان را در آن زمان قتل دجال می‌داند و مردم در آن زمان علیرغم دروغ‌پراکنی یهود به حضرت ایمان می‌آورند و این ایمان تا قیامت باقی است. (همان: ج ۲، ۶۸) او این مسئله را در سوره زخرف آیه ۶۱ بیان می‌کند. (همان: ج ۳، ۸۰۰) ایشان در سوره مائده آیه ۱۱۰ (همان: ج ۱، ۵۱۵-۵۱۷) و اعراف ۱۵۹ (همان: ج ۲، ۶۸) به مطالب کلی درباره نزول حضرت عیسی علیه السلام می‌پردازد.

ب) دجال

درباره دجال در آیه ۷ سوره آل عمران ایشان قائل به این است که منظور از تاویل در آیه «ما یعلم تاویله الا الله»، ملک؛ است و این تاویل یا ملک برای امت محمد صلی الله علیه و آله و سلم باقی است تا روز قیامت و فقط در زمان ابتلای جامعه به دجال این ملک از آنها برداشته خواهد شد. ایشان پا را از این بالاتر می‌نهد و می‌گوید «راسخان در علم» معلمان علم تورات هستند؛ مانند عبدالله ابن سلام و اصحابش از جمله مؤمنین اهل تورات هستند. (همان: ج ۱، ص ۲۶۳) ایشان معتقد است که جهان مبتلا به یک فتنه‌ای خواهد شد به طوری که فتنه دجال همه ملک و جهان را تحت سیطره خود خواهد گرفت.

ایشان در سوره اسراء آیه اول به بیان رجعت پیامبر ﷺ و آن چه که آن حضرت در شب معراج مشاهده کرده که از جمله آنها دجال است، او دجال را به شخصی چاق و تپل و رنگ چهره او گندم‌گون و مویی فرفری و ریشی پرپشت و چشمانی مالیده شده دارای پیشانی بلند و مابین چشمانش نوشته کافر و... توصیف می‌کند. (همان: ج ۲، ۵۱۹)

در سوره غافر آیه ۵۶ به خروج دجال می‌پردازد و دجال را به عنوان آیات خدا معرفی می‌کند و مردم به فتنه دجال دچار خواهند شد، در آن موقع هست که مردم به خدا پناه می‌برند. (همان: ج ۳، ۷۱۷-۷۱۸)

ج) اشراط الساعة

ایشان در آیه ۱۸ سوره محمد از «ساعة» تعبیر به قیامت نمودند و از «اشراط» تعبیر علامت کردند. لذا علامت‌های قیامت را در سه چیز خلاصه کردند: انشقاق ماه، خروج دجال و خروج پیامبر ﷺ و مشخص نمودند مرادشان از نبی کدام پیامبر و در چه زمانی است. (همان: ج ۴، ۴۷-۴۸)

البته غیر از این موارد اشاره‌ای به خروج سفیانی و بیداء در ذیل آیه ۵۰ الی ۵۴ سوره سباء و طلوع خورشید از مغرب؛ کردند و گفتند: بعد از آن خداوند عذابش را نازل می‌کند. (همان: ج ۱، ۵۹۸-۵۹۹)

۲. فتح القديرالجامع بين الروايه؛ محمد بن علي شوکانی

شوکانی در تفسیر خود به پنج موضوع در حوزه مهدویت پرداخته است:

الف) قیام امام مهدی ﷺ

در سوره بقره آیه ۱۱۴؛ خزی در دنیا را به قیام مهدی ﷺ و فتح قسطنطنیه و قتل آنها تاویل برده است. (شوکانی، ۱۴۱۴: ج ۱، ۱۵۴)

ب) نزول عیسی ﷺ

بالا رفتن و نزول حضرت عیسی ﷺ و سیره و اقداماتش از قبیل قتل دجال، شکستن صلیب، کشتن خوک و حکم کردن بین مردم به شریعت پیامبر اکرم ﷺ؛ در ذیل آیه ۵۵ سوره آل عمران و آیه ۴ سوره محمد آمده است. (همان: ج ۱، ۳۹۵-۳۹۶؛ ج ۵، ۴۰) و ایمان اهل کتاب به حضرت عیسی ﷺ بعد نزولش را در ذیل آیه ۱۵۹ سوره نساء آورده است. (همان: ج ۱، ۶۱۶)

ج) خروج سفیانی و خسف به بیداء

این موضوع در کتاب ایشان در ذیل آیه ۵۱ سوره سباء مورد بررسی قرار گرفت و با ذکر روایات از پیامبر ﷺ و صحابه و مفسران منظور از «فزع»، اتفاقی است که؛ بر سر لشکر سفیانی در

سرزمین بیداء آمده است. (همان: ج ۴۳، ۳۸۵-۳۸۶)

د) اشراط الساعة

شوکانی همانند مفسران اهل سنت در ذیل آیه ۶۱ سوره زخرف نزول عیسی علیه السلام و خروج دجال را از جمله اشراط الساعة می داند (همان: ج ۴، ۶۴۳ و ۶۴۵)

ه) نگرش عیسوی به مهدویت

ایشان هم مثل بعض اهل سنت غلبه اسلام با ذکر روایتی از مجاهد به بعد از نزول حضرت عیسی علیه السلام تاویل بردند. و آن حضرت را به عنوان امام عادل معرفی کردند! (همان: ج ۵، ۲۶۴)

تحلیل و بررسی

با بررسی این دو تفسیر معلوم می شود که، این دو مفسر زیدی با نگرش و مبنای شیعه در موضوع مهدویت کمی فاصله داشته و نگرش آنها بیشتر موافق اقوال اهل سنت است هرچند بعضی از این موضوعات مطرح شده با مذاهب اسلامی مشترک است؛ اما نگرش آنها به موضوعات مهدوی، متفاوت بلکه بعضی از این نگرش ها تنها در تفسیر این مسلک دیده می شود.

مهدویت در تفسیر شیعه اثنی عشری

مفسران امامیه در مسئله مهدویت و آیات قرآن کریم با هم اتفاق نظرهای زیادی دارند و با بررسی انجام شده تمام موضوعات مهدوی در تفاسیر شیعه وجود دارد. با توجه به حجم موضوعات و تفاسیر، یک تفسیر روایی که دربر گیرنده موضوعات زیادی و اصلی، از مباحث مهدویت است به عنوان معیار آورده می شود و سایر مفسرین به آن ارجاع داده می شود.

تفسیر قمی نوشته ابوالحسن علی بن ابراهیم بن هاشم قمی است ایشان در حوزه مهدویت مطالب زیادی آورده است مولف ذیل ۷۲ آیه قرآن به بسیاری از موضوعات مهدویت از کلام ائمه اطهار علیهم السلام پرداخته است اهم موضوعات عبارت است از:

۱. ظهور امام مهدی علیه السلام

روز ظهور امام جزو ایام الله است که خداوند در قرآن ذیل آیه ۵ سوره ابراهیم بیان فرموده است. (همان: ج ۱، ۳۶۷) و احساس ظهور امام برای بنی امیه بسیار سخت و گران خواهد بود وقتی حضرت ظهور کند از آنها گنج هایی که به کشور روم تحویل دادند را طلب خواهد کرد و آنها تحت سایه شمشیر زندگی خواهند کرد؛ (همان: ج ۲، ۶۸، ۲۷۸ و ۴۱۶) این موارد تاویل آیات ۱۱ الی ۱۵ سوره انبیاء و به همین معنا در آیه ۴۲ سوره شوری و سوره طارق آیه ۱۷ است. و

در ذیل آیات ۳۹ و ۶۰ سوره حج امام انتقام خون امام حسین علیه السلام را خواهد گرفت (همان: ج ۲، ۸۵ و ۸۷) و امام در آن زمان مضطر واقعی است (همان: ج ۲، ۱۲۹) (نمل: ۶۲) و ظهور امام مهدی علیه السلام در آیه ۵ سوره قصص یک وعده الهی است. (همان: ج ۲، ۱۳۴)
خروج امام مهدی علیه السلام مصداق آیات ۱۰ سوره عنکبوت و آیه ۲۴ سوره شوری و سوره قمر آیه ۱ و ۲ و سوره مدثر آیه ۱۹ و ۲۰ قرار گرفته است. (همان: ج ۲، ۱۴۹، ۲۷۵، ۳۴۰ و ۳۹۵)

۲. نشانه‌های ظهور

در ذیل آیه ۳۷ سوره انعام منظور از آیات را با بیان روایتی از امام صادق علیه السلام عبارت است از: دابة الارض، دجال، نزول عیسی علیه السلام و طلوع خورشید از محل غروبش. (همان: ج ۱، ۱۹۸) و در آیه ۵۳ سوره اعراف مصداق آیات تأویل بعد از تنزیل را قیام حضرت مهدی علیه السلام و روز قیامت دانستند. (همان: ج ۱، ۲۳۵-۲۳۶) همین مسئله در آیه ۳۳ سوره توبه تکرار شده است. (همان: ج ۱، ۲۸۹)

خروج سفیانی در مقابل امام مهدی علیه السلام یکی از مصادیق آیه ۸ سوره اسراء و آیه ۱۱۳ سوره طه است. (همان: ج ۲، ۱۴ و ۶۵)

ایشان در ذیل آیه ۹۸ سوره کهف علاوه بر علامات بالا به شرح حال یاجوج و ماجوج و چگونگی پشت سد قرار گرفتن و شکسته شدن آن سد و خروج آنها در آخرالزمان در قالب روایتی طولانی از امیرالمؤمنین علیه السلام پرداخته است. (همان: ج ۲، ۴۰-۴۵) وی ندای آسمانی را در ذیل آیات ۴۱ و ۴۲ سوره ق آورده است. (همان: ج ۲، ۳۲۷)

نشانه‌های ظهور از جمله مباحث اصلی مهدویت هست و مفسران در ذیل آیات مختلف آورده‌اند، بیشترین نقل مربوط به ندای آسمانی است که در ذیل آیات ۴ شعراء آمده است. (همان: ج ۲، ۱۱۸؛ ثابت بن دینار، ۱۴۲۰: ۲۵۶-۲۵۷؛ استرآبادی، ۱۴۰۹: ۳۸۳-۳۸۴؛ فیض کاشانی، ۱۳۹۹: ج ۴، ۲۹-۳۰؛ شریف لاهیجی، ۱۳۷۳: ج ۳، ۳۵۸-۳۵۹؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ج ۴، ۴۶-۴۷؛ بحرانی، ۱۴۱۵: ج ۴، ۱۶۶-۱۶۹؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ج ۹، ۴۵۵-۴۵۸؛ شبر، ۱۴۰۷: ج ۴، ۳۷۴-۳۷۵؛ حائری تهرانی، ۱۳۷۷: ج ۸، ۳۹؛ نهاوندی، ۱۳۵۷: ج ۳، ۲۴۶-۲۴۵؛ حسینی، ۱۳۶۳: ج ۹، ۳۹۳-۳۹۴؛ بروجردی، ۱۳۴۱: ج ۵، ۶۰-۶۱؛ طباطبایی، ۱۳۶۴: ج ۱۵، ۳۵۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۱۵، ۱۸۸-۱۸۹ و ...)

دومین نشانه خروج سفیانی و خسف در بیداء است که در ذیل آیه ۵ سوره سبأ از جمله نشانه‌هایی است که ۵۹ مفسر آیه را به خروج سفیانی و خسف در بیداء تاویل برده‌اند.

(قمی، ۱۴۰۹، ج ۲، ۲۰۶-۲۰۷؛ ثابت بن دینار، ۱۴۲۰: ۲۷۴؛ طبرسی، ۱۳۶۸، ج ۳، ۳۶۱؛ ابوالفتح رازی، ۱۳۶۶، ج ۱۶، ۸۵-۸۶؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ۶۲۱-۶۲۲؛ شیانی، ۱۴۱۳، ج ۴، ۲۵۱-۲۵۲؛ جرجانی، ۱۳۳۷، ج ۸، ۵۸-۵۹؛ استرآبادی، ۱۴۰۹: ۴۶۷؛ فیض کاشانی، ۱۳۹۹، ج ۴، ۲۲۶-۲۲۸؛ شریف لاهیجی، ۱۳۷۳، ج ۳، ۷۰۱-۷۰۴؛ بحرانی، ۱۴۱۵، ج ۴، ۵۲۸-۵۳۰؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۱۰، ۵۲۱-۵۲۴؛ شیر، ۱۴۰۷، ج ۵، ۱۹۳؛ نهاوندی، ۱۳۵۷، ج ۳، ۴۴۸؛ بروجردی، ۱۳۴۱، ج ۵، ۴۲۲-۴۲۳؛ طباطبایی، ۱۳۶۴، ج ۱۶، ۵۹۲-۵۹۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ۱۵۲-۱۵۳ و ...)

۳. یاران حضرت مهدی علیه السلام

قمی مصداق آیه ۵۴ سوره مائده و سوره اسراء آیه ۷ و سوره انبیاء آیه ۱۰۵ و سوره حج آیه ۴۱ را امام مهدی علیه السلام و اصحاب با وفایش دانستند (قمی، ۱۴۰۹، ج ۱، ۱۷۰، ج ۲، ۱۴، ۷۷ و ۸۷) و منظور از قوت در آیه ۸۰ سوره هود همان قوت قائم است که ۳۱۳ عدد است که رکن شدید هستند. (همان، ج ۱، ۳۳۶)

۴. نزول عیسی علیه السلام

مرحوم قمی نزول عیسی علیه السلام و اقدامش به قتل دجال را در سوره شوری آیه ۷ آورده است و اشاره ای به اجداد امام مهدی علیه السلام نیز شده است. (قمی، ۱۴۰۹، ج ۲، ۲۶۹-۲۷۲) اما مسئله ایمان آوردن یهود و نصارا به حضرت عیسی علیه السلام ذیل آیه ۱۵۹ سوره نساء از جمله آیات مورد وفاق شیعه و اهل سنت است. با بررسی انجام شده حدود ۱۱۲ مفسر شیعه و اهل سنت ذیل آیه آن را مطرح کردند. (قمی، ۱۴۰۹، ج ۱، ۱۵۸؛ طوسی، بی تا؛ ج ۳، ۳۸۶؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ۲۱۱-۲۱۲؛ طبرسی، ۱۳۶۸، ج ۱، ۳۰۲؛ بحرانی، ۱۴۱۵، ج ۲، ۱۹۷؛ مشهدی قمی، ۱۳۶۸، ج ۳، ۵۸۳-۵۸۴، فیض کاشانی، ۱۴۱۸، ج ۱، ۲۵۱؛ فیض کاشانی، ۱۳۹۹، ج ۱، ۴۸۰؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۴، ۵۷۱؛ طباطبایی، ۱۳۶۴، ج ۵، ۱۳۴-۱۳۷؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۱، ج ۳، ۵۲۷-۵۲۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۴، ۲۰۴-۲۰۵، یعقوبی، ۱۳۷۶، ج ۳، ۱۷-۱۹ و ...)

۵. غلبه اسلام

مسئله غلبه اسلام و چگونگی غلبه بر سایر ادیان از جمله مسئله پرتکرار در بین مفسران قدیم و جدید است این موضو غالباً در ذیل سه سوره توبه، فتح و صف، که دارای آیه مشترک هستند، آمده است. تعداد مفسران شیعه که به این موضوع ذیل آیه پرداخته اند؛ بدون کسر تکرار مفسران در سه سوره حدود ۱۸۲ مفسر است که تفسیرشان به غلبه اسلام تأویل برده اند و

می توان گفت که اکثر قریب به اتفاق آنان مسئله مهدویت را در ذیل این سه آیه مشترک، دیدند. (قمی، ۱۴۰۹: ج ۱، ۲۸۹؛ ج ۲، ۳۱۷؛ عباشی، ۱۳۸۰: ج ۲، ۸۷؛ طوسی، بی تا: ج ۵، ۲۰۹؛ فرات کوفی، ۱۴۱۰: ۴۸۱-۴۸۲؛ ابوالفتوح رازی، ۱۳۶۶: ج ۹، ۲۲۶-۲۲۷؛ ج ۱۷، ۳۶۴-۳۶۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۵، ۳۸؛ ج ۹، ۱۹۱-۱۹۲؛ ج ۹، ۴۲۰؛ طبرسی، ۱۳۶۷: ج ۴، ۱۴۶؛ جرجانی، ۱۳۳۷: ج ۴، ۶۰-۶۱؛ ج ۹، ۱۵۱؛ حسینی استرآبادی، ۱۴۰۹: ۵۸۰؛ کاشانی، ۱۳۳۶: ج ۴، ۲۵۰-۲۵۱؛ ج ۹، ۲۶۸؛ فیض کاشانی، ۱۳۹۹: ج ۲، ۳۳۸-۳۳۹؛ شریف لاهیجی، ۱۳۷۳: ج ۲، ۲۵۴؛ ج ۴، ۲۰۶-۲۰۷؛ ج ۴، ۴۶۴-۴۶۵؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ج ۲، ۲۱۱؛ ج ۵، ۷۶؛ ۳۱۸-۳۱۷: بحرانی، ۱۴۱۵: ج ۲، ۷۷۰؛ ج ۵، ۹۴-۹۵؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ج ۵، ۴۴۵-۴۴۶؛ ج ۱۲، ۳۰۹-۳۱۰؛ ج ۱۳، ۲۳۳-۲۳۴...)

۶. رجعت

این موضوع در ذیل آیه ۵۶ سوره بقره (قمی، ۱۴۰۹: ج ۱، ۴۷)، آیه ۳۹ سوره یونس، آیه ۳۹ سوره نحل (همان: ج ۱، ۳۱۲) و سوره کهف آیه ۴۷ (همان: ج ۲، ۳۶)، سوره یونس آیه ۴۶ (همان: ج ۱، ۳۱۲)، سوره نحل آیه ۳۳ (همان: ج ۱، ۳۸۵)، آیه ۵۰ سوره یونس، (همان: ج ۱، ۳۱۲) آیه ۵۴ همین سوره (همان: ج ۱، ۳۱۳)، آیه ۸ سوره هود (همان: ج ۱، ۳۲۲)، سوره طور آیه ۴۷ (همان: ج ۱، ۳۳۳) آیه سوره ۲۲ نحل (همان: ج ۱، ۳۸۳)، طه آیه ۱۲۴ (همان: ج ۲، ۶۵)، آیه ۹۵ سوره انبیاء (همان: ج ۲، ۷۶)، آیه ۱۶ سوره نمل، (همان: ج ۲، ۱۲۶)، آیه ۲۲ و ۲۳ سوره ذاریات (همان: ج ۲، ۳۳۰)، آیه ۸۲ سوره نمل (همان: ج ۲، ۱۳۰)، آیه ۸۵ سوره نمل و آیات فراوان دیگر که قمی از آنها به مصادیق رجعت تعبیر کردند، مانند: آیات ۸۵ سوره قصص و آیات ۲۱، ۲۷ و ۲۸ سوره سجده و سوره غافر آیات ۱۱، ۵۱ و ۸۱ و سوره دخان آیه ۱۰ و سوره ق آیات ۴۱، ۴۲ و ۴۴ و سوره نجم آیه ۵۳ و سوره جن ۲۶ و سوره مدثر آیه ۲ آمده است. (همان: ج ۲، ۱۴۷، ۱۷۰، ۱۷۱، ۲۵۶، ۲۵۸، ۲۶۱، ۲۹۰، ۳۲۷، ۳۳۹، ۳۹۱ و ۳۹۳)

رجعت امیرالمؤمنین علیه السلام ذیل آیه ۲۲ سوره عبس (همان: ج ۲، ۲۹۷، ۳۹۱ و ۴۰۵-۴۰۶) و رجعت همه یا بعض ائمه علیهم السلام (همان: ج ۲، ۲۸۳) در ذیل سوره های احقاف آیه ۱۵ (همان: ج ۲، ۲۹۷) و سوره زخرف ۲۸ هم آمده است. (همان: ج ۲، ۴۰۵-۴۰۶)

مهم ترین آیه ای که هم از نظر عقلی و نقلی دلیل بروقوع رجعت هست آیه ۸۲ سوره نمل است که خداوند در این آیه فرمود از هر فرقه گروهی را محشور می کنیم و حال این که قیامت همه محشور می شوند. (قمی، ۱۴۰۹: ج ۲، ۱۳۰-۱۳۱؛ بحرانی، ۱۴۱۵: ج ۴، ۲۲۸، ۸۰۴۳ و

۸۰۵۶؛ بحرانی، ۱۴۱۳: ج ۳، ۹۲-۹۳، ح ۷۵۱؛ مشهدی قمی، ۱۳۶۸: ج ۹، ۵۹۵؛ ج ۸، ۸۹، عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ج ۴، ۱۰۰، ح ۱۱۱؛ فیض کاشانی، ۱۳۹۹: ج ۴، ۷۴-۷۵)

نتیجه‌گیری

موضوع مهدویت از دیرباز مورد توجه اندیشمندان مسلمان بوده است و کتاب‌های فراوانی در این زمینه به رشته تحریر درآمده است؛ این مسئله همواره نظر مفسران را نیز به خود مشغول داشته و مورد دقت نظر آنان بوده است. در کتاب‌های تفسیری در ذیل برخی از آیات با تمسک به روایات مأثور، مطالبی را درباره امام مهدی علیه السلام و سیره و اقدامات آن حضرت و مباحثی در اطراف و اتفاقات آخرالزمان آورده شده است. با بررسی‌های انجام شده در تفاسیر شیعه و اهل سنت، نتایج قابل اعتنایی به دست آمده است. خلاصه آن نتایج عبارتند از:

۱. بیشتر مفسران اهل سنت درباره مهدویت، استناداتشان از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، صحابه و برخی از مفسران از قدما است؛

۲. در حوزه مهدویت مهم‌ترین مطالب مطرح شده در تفاسیر اهل سنت، به حضرت عیسی علیه السلام، نزول ایشان و سیره و اقدامات او و اشراط الساعة برمی‌گردد؛

۳. بسیاری از مفسران اهل سنت با استناد به روایاتی از ابوبهریره و عایشه قائل‌اند؛ که وقتی عیسی علیه السلام بیاید جهان پر از عدل و داد می‌شود و اسمی از امام مهدی علیه السلام به عنوان عدالت‌گستر نمی‌آورند و حتی روایات منقول از کتب اهل سنت درباره امام مهدی علیه السلام را نقل نمی‌کنند. گرچه برخی از مفسران با این رویکرد مخالفند. مانند: رشید رضا در *تفسیر المنار* تفکر عدالت‌گستری و حکومت واحد جهانی به دست حضرت عیسی علیه السلام را مردود دانسته و با ذکر مستندات آن را فقط به دست مهدی از نسل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نسبت داده است. اما باید توجه داشت تکرار این مسئله و یا ذکر غلبه و مسکوت گذاشتن نام امام؛ باعث می‌شود به تدریج امام مهدی علیه السلام و اقداماتش از فکر عقلای جامعه خارج شود. و توصیه می‌شود محققان نسبت به این مسئله دقت بیشتری داشته باشند؛

۴. منابع تفسیری اهل سنت علامت‌هایی را با عنوان اشراط الساعة مطرح می‌کنند که بسیاری از آنها مثل: دجال، سفیانی، بیداء، نزول عیسی علیه السلام، یاجوج و ماجوج و حتی خروج امام مهدی علیه السلام از علامت‌های ظهور امام نزد شیعه محسوب می‌شود؛

۵. مفسران زیدیه هم در تفاسیر خود همان دیدگاه اهل سنت را مطرح کرده‌اند و می‌توان گفت که آنها در این حوزه گرایش بیشتری به اهل سنت دارند (یعنی سنی مسلک هستند)؛

۶. مفسران شیعه دوازده امامی در حوزه مهدویت بیشتر روایت محور هستند، هر چند در مواردی می‌توان دریافت که روش تفسیری آنها قرآن به قرآن و اجتهادی هم هست؛

۷. برخلاف مفسران اهل سنت، مفسران شیعه برقراری حکومت واحد جهانی و عدالت گستری را فقط به دست امام مهدی علیه السلام انجام‌پذیر می‌دانند و معتقدند حضرت عیسی علیه السلام هم با نزول‌شان کمک بزرگی برای آن حضرت است؛

۸. نکته آخر این که شیعه امامیه در بسیاری از اصول مهدویت مثل: نزول حضرت عیسی علیه السلام، حکومت جهانی، غلبه اسلام، مهدی بودن و بسیاری از نشانه‌ها ظهور، با اهل سنت اشتراک نظر دارد و تنها اختلاف بین این دو مذهب در مسئله رجعت است. اما مسئله معرفی عیسی علیه السلام به جای حضرت مهدی علیه السلام یک مسئله جدی در بیان برخی از مفسران اهل سنت است.

منابع

قرآن کریم

- ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، *تفسیر القرآن العظیم*، عربستان، مکتبة نزار مصطفى الباز، سوم، ۱۴۱۹ق.
- ابن عاشور، محمد بن طاهر، *التحریر والتنویر*، بیروت، نشر مؤسسة التاريخ، اول، ۱۴۲۰ق.
- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو (م ۷۷۴ق)، *تفسیر القرآن العظیم*، بیروت، دارالکتب العلمیة (منشورات محمد علی بیضون)، اول، ۱۴۱۹ق.
- ابو حمزه ثمالی ثابت بن دینار، *تفسیر القرآن الکریم*، تحقیق: عبدالرزاق محمد حسین حرزالدین / محمد هادی معرفت، بیروت، دارالمفید، اول، ۱۴۲۰ق.
- اطفیش، محمد بن یوسف، *تیسیر التفسیر*، عمان، وزارة التراث القومي و الثقافي، ۱۴۰۷ق.
- آلوسی، محمود بن عبدالله (م ۱۲۷۰ق)، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی*، بیروت، دارالکتب العلمیة (منشورات محمد علی بیضون)، اول، ۱۴۱۵ق.
- بحرانی، سید هاشم (م ۱۱۰۷ق)، *البرهان فی تفسیر القرآن*، قم، بعثت، ۱۷-۱۴۱۵ق.
- بحرانی، هاشم بن سلیمان (م ۱۱۰۷ق)، *مدینة المعاجز الأئمة الإثنی عشر و دلائل الحجج علی البشر*، قم، مؤسسة المعارف الإسلامية، اول، ۱۴۱۳ق.
- بروجرودی، سید ابراهیم، *تفسیر جامع*، تهران، کتابخانه صدر، ۱۳۴۱ق.
- بلخی، مقاتل بن سلیمان، *تفسیر مقاتل بن سلیمان*، بیروت، دار احیاء التراث، اول، ۱۴۲۳ق.
- ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد (م ۸۷۵ق)، *جواهر الحسان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، اول، ۱۴۱۸ق.
- جرجانی، حسین بن حسن، *تفسیر گازر*، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۳۷.
- جصاص، احمد بن علی، *احکام القرآن*، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ق.
- جعفری، یعقوب، *تفسیر کوثر*، قم، انتشارات هجرت، اول، ۱۳۷۶ش.
- حائری تهرانی، میر سید علی (م ۱۳۴۰ق)، *مقتنیات الدرر و ملتقطات الثمر*، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۷۷ش.
- حسین شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد، *تفسیر اثنی عشری*، تهران، میقات، ۶۴-۱۳۶۳ش.
- حسینی استرآبادی، شرف الدین (م ۹۴۰ق)، *تأویل الآیات الظاهرة*، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۹ق.
- حوی، سعید، *الاساس فی التفسیر*، قاهره، دارالسلام، ۱۴۰۹ق.

- رازی، ابوالفتوح، *روض الجنان وروح الجنان*، مشهد، آستان قدس، ۷۴-۱۳۶۶ ش.
- سيدقطب، *فی ظلال القرآن*، بيروت، دارالاحياء لتراث العربی، بی تا.
- شبر، عبدالله، *الجواهر الثمین فی تفسیر الكتاب المبین*، کویت، مكتبة الألفین، اول، ۱۴۰۷ ق.
- شوکانی، محمد بن علی، *فتح القدير*، بيروت، دار ابن کثیر، اول، ۱۴۱۴ ق.
- شیبانی، محمد بن حسن، *نهج البیان عن کشف معانی القرآن*، تحقیق حسین درگاهی، تهران، بنياد دائرة المعارف اسلامی، اول، ۱۴۱۳ ق.
- طباطبائی، محمد حسین، *ترجمه تفسیر المیزان*، ترجمه سيد محمد باقر موسوی همدانی، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۳۶۴.
- طبرسی، فضل بن حسن (م ۵۴۸ ق)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، انتشارات ناصر خسرو، سوم، ۱۳۷۲ ش.
- _____، *جوامع الجامع فی تفسیر القرآن المجید*، مقدمه، تصحیح و تعلیقات ابوالقاسم گرگی، ق م، مرک زم دی ری ت ح وزه عل م ی ه ق م / تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۶۸ ش.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بيروت، دارالمعرفه، اول، ۱۴۱۲ ق.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن معروف به شیخ الطائفه (م ۴۶۰ ق)، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بيروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- عبده، شیخ محمد و رشید رضا، *المنار*، بيروت: دارالفکر، بی تا.
- عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه (م حدود ۱۰۹۷ ق)، *تفسیر نور الثقلین*، قم، انتشارات اسماعیلیان، چهارم، ۱۴۱۵ ق.
- عیاشی، محمد بن مسعود، *کتاب التفسیر*، تهران، چاپخانه علمیه، ۱۳۸۰ ق.
- فیض کاشانی، ملامحسن (م ۱۰۹۱ ق)، *الأصفي فی تفسیر القرآن*، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، اول، ۱۴۱۸ ق.
- _____، *تفسیر صافی*، مشهد، دارالمرتضی، اول، ۱۳۹۹ ق.
- قمی، علی ابن ابراهیم، *تفسیر قمی*، قم: دارالکتاب، ۱۴۰۹ ق.
- کاشانی، ملافتح الله (فوت بین ۹۹۷-۹۸۸ ق)، *تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین*، تهران، کتابفروشی محمد حسن علمی، ۱۳۳۶ ش.
- کوفی، فرات بن ابراهیم، *تفسیر فرات الکوفی*، تهران، وزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامي، مؤسسة الطبعة و النشر، اول، ۱۴۱۰ ق.

- لاهیجی، محمد بن علی شریف (درگذشت در فاصله ۱۰۸۸ تا ۱۰۹۵)، تفسیر شریف لاهیجی، تهران، دفتر نشر داد، اول، ۱۳۷۳ ش.
- ماوردی، محمد بن حبیب، *النکت والعیون*، بیروت، دارالکتب العلمیه، اول، ۱۴۱۲ ق.
- مشهدی القمی، میرزا محمد (زنده در سال ۱۱۲۵ ق)، *تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب*، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، اول، ۱۳۶۸ ش.
- مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان (معاصر)، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الإسلامیة، اول، ۱۳۷۴ ش.
- مکارم شیرازی، ناصر، *الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل*، قم، مدرسه علی بن ابی طالب علیه السلام، اول، ۱۴۲۱ ق.
- نهاوندی، شیخ محمد، *نفحات الرحمن*، چاپ سنگی، ۱۳۵۷ ش.
- الهواری، هود بن محکم، *تفسیر کتاب الله العزیز*، بیروت، دارالغرب اسلامی، ۱۹۹۰ م.

